

تاریخ: ۵۸/۳/۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مملکت در طول پنجاه و چند سال با اسم تمدن رویه تباهی رفته است. آقایانی که در بانک‌ها هستید بهتر می‌دانید که این رژیم سابق با بانک چه کرده است و بانک‌ها نسبت به این ملت چه کرده‌اند و همین‌طور می‌دانید که با کارخانه‌ها و کشاورزان چه کرده‌اند. شما ببینید اینها با دانشگاه چه کرده‌اند. ما به‌طور اجمال این را می‌دانیم که این مملکت در این پنجاه و چند سال رو به تباهی رفته است، به اسم تمدن بزرگ این مملکت را خراب کرده‌اند، لکن هر قشر ما آنچه را که لمس کرده است فقط به محل کار خودش مربوط می‌شود. الان ما مواجه هستیم با دستجات مختلفی که از اطراف ایران پیش من می‌آیند، هر دسته‌ای که می‌آید می‌گوید که هیچ‌جا خرابتر از جای ما نیست. مثلاً از بختیاری می‌آیند و می‌گویند که هیچ‌جا بدتر از بختیاری نیست و بختیاری‌ها هیچ ندارند. از بلوچ می‌آیند همین حرف را می‌زنند و آنها هم می‌گویند هیچ‌جا بدتر از جای ما نیست. از کردستان می‌آیند همین مطلب را می‌گویند و از هر جای دیگر همین حرف است و من می‌بینم که همه صحیح می‌گویند، لکن اینکه می‌گویند هیچ‌جا بدتر از ما نیست، این برای این است که آنها را دیده‌اند و جاهای دیگر را نشنیده‌اند. آن کس که در بختیاری مانده، دیده است که در بختیاری چه گذشته اما شنیده که در جاهای دیگر هم ظلم و ستم بوده اما آنها را ندیده، از این جهت محل خودش را از همه‌جا بدتر می‌داند. اینها همه درست می‌گویند برای اینکه همه‌جا خراب است، اصلاً برنامه این بوده است که خرابی بکنند. کشاورزی را با اسم اصلاحات ارضی یکلی از بین ببرند و بازار درست کنند برای آمریکائی، برای آمریکائی که گندم‌هایش زیاد است. آمریکا می‌خواهد که ایران با سایر کشورهایی که تحت نفوذ است کشاورزی‌اش به هم بخورد تا محتاج به او شوند چنانچه ما الان محتاج هستیم همه چیزمان از خارج باید بیاید. دامداری را از بین بردند تا اینکه در گوشت محتاج به خارج باشیم و همین‌طور در این پنجاه سال همه چیزمان را با اسم‌های بسیار فریبنده و اغفال‌کننده خراب کرده‌اند و از بین بردند. منتها شما خرابی‌های بانک را بهتر مطلع هستید، کشاورز، خرابی کشاورزی را بهتر از شما می‌داند و هر قشری خرابی محل خودش را بهتر احساس می‌کند.

تکلیف کارمندان بانک کوشش در جهت اصلاح مفاسد آن است

لکن بحث این است که حالا باید چه کرد. اگر بنا باشد که حالا ما باز بنشینیم و کلیات بگوئیم که باید چه بشود، کاری از پیش نمی‌بریم. الان شما که کارمندان بانک هستید مشغول بشوید به درست کردن بانک‌ها. تکلیف این است که شمائی که کارمند بانک مرکزی هستید کوشش کنید که آن را اصلاح کنید. شما اینجا را اصلاح کنید آن کس هم که می‌گوید فلان اداره خراب است مشغول درست کردن آن اداره باشد. الان شهردار تهران با عده‌ای از کارمندان ایشان اینتجنجا بودند و آنها هم همین شکایت‌ها را داشتند، لکن آنها هم باید مشغول بشوند به درست کردن شهرداری و خدمت به شهر، نه اینکه همه‌مان بنشینیم و کلیات را بگوئیم و دردها را بگوئیم و درمانش را از خدا بطلبیم. نه، باید همه‌مان کار بکنیم. از حالا باید این طبقه جوان و بچه کوچک را کم کم تربیت کنیم. بزرگ‌ها را طوری تربیت کردند که کمتر می‌توان اصلاحش کرد. الان شما در بانک هستید، نباید بگوئید که در شهر بانی خرابی است و باید چه کرد. شما باید ببینید که در بانک چه خبر است و عمل بکنید. بانک را ببینید مفاسدش چه بوده، اشکالاتش چه بوده، چه جور باید بانکی درست بکنیم که مفید برای کشورمان باشد. شماها خودتان همه با هم تفاهم کنید و مشکلات بانک را از میان بزدارید. این تکلیف شماست. اگر اینطور بشود که هر کس در محلی که هست همان محل را و وجه نظر خودش قرار بدهد و بنا بگذارد که آن محل را درست بکند بعد از یک مدتی انشاء الله می‌بینیم که همه جا درست شده، شهرداری‌مان درست شده، بانک‌ها مان درست شده و کشاورزی‌مان هم درست شده.

ما می‌خواهیم همه جا یک رنگ اسلامی پیدا کند.

امیدوارم خداوند به شما توفیق بدهد و این مسائلی هم که شما گفتید مورد نظر هست، امید است که تحقق پیدا کند. ما می‌خواهیم اینطور باشد که وقتی در یک بانک وارد شدید مثل این باشد که به مسجد رفته‌اید، آنطور باشد که وقتی در وزارتخانه رفتید مثل این باشد که توی مسجد رفته‌اید و همه جا یک صبغه اسلامی پیدا کند و اگر انشاء الله این معنا تحقق پیدا کند که من امیدوارم تحقق پیدا کند همه چیز ما اصلاح می‌شود. خداوند همه‌تان را تایید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته